

انس با قرآن - جلسه چهارم

قرآن اساساً شفا است برای انسان و طبیعتاً مؤمنین بیشتر بهره خواهند برد.

امیر المؤمنین (ع) می فرماید: انّ فيه شفاء من أكبر الداء وهو الكفر والتفأق والغف والضلال

منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج 10، ص: 197

قرآن یک کتاب پر رمز و راز است.

وقتی قرآن رو می گشایید این رمز و راز رو احساس بکنید هر چند از این رموز خبر نداشته باشیم.

قرآن یک کلام زنده است ، باید خدای پشت سر قرآن رو هنگام خواندن این کلمات زنده دید.

خدا این قدر بلده ، همون آیاتی که شما می خواهید و همون نکاتی که شما نیاز دارید ، از همین خطوط و سطور ثابت منتقل کند ؛ فردا با به حال دیگه بیای همون صفحه رو بخونی به چیز دیگه بهت می دن.

این حرف علامه طباطبایی بود که می فرمود: من هر موقع می رفتم سراغ قرآن (حتی تکراری) ، هر بار باز می کردم به نکات تازه ای می یافتم.

*وقتی که قرآن یک کتاب رمز آلود شد ، وقتی یک کتاب زنده شد ، به کتاب عجیب و با عظمت شد ، با به حرمتی می رسیم خدمت قرآن و این حرمت از آدایش قرآن است.

اگر با این حرمت و تعظیم سراغ قرآن نری ، قرآن چیزی به تو نمی دهد ؛ خدا غیوره ، می گه ولش کن این بی ادب رو نمی خواد چیزی بهش بدی.

استخاره به قول علامه طباطبایی یکی از رموز آسمانی است.

منتها بعضی ها بد استخاره می کنند ، اون قدر که اصرار دارن به استخاره ، اصرار ندارن به استشفاء با قرآن.

به جای این که استخاره کنی من این کار رو بکنم یا اون کار رو بکنم ، قرآن رو باز کن چند صفحه بخون آدم بشی ، آدم بشی عقلت زیاد می شه می فهمی باید چیکار کنی.

نباید نابینایی بازی در آورد در این زمینه.

بنده یه حاجتی داشتم چیزی حدود ده سال در خونه ی خدا ناله می زدم ، حاجت من این بود که بفهمم کدوم کار رو انجام بدم که خدا من رو در این جهت هدایت کنه ، یک شب ماه رمضان به خدا گفتم خب خدایا تو کع نمی گی ، یه کاری کن من عقلم زیاد بشه خودم بفهمم ، آنی حاجتم برآورده شد.

هی استخاره می کنه از تو قرآن که ببینه من چیکار باید بکنم ، بابا خودت رو از تو قرآن در بیار ، بصیرتت رو از تو قرآن در بیار.

به جاش دعا کن خدایا عقلم رو زیاد کن ، بصیرتم رو زیاد کن تا درک کنم چیکار باید کنم.»

در جریان استشفاء از قرآن: **شما عصبانی شدید برید قرآن بخونید ، افسرده شدید برید قرآن بخونید ، نا امید شدید ، تو فشار ها و ... برید قرآن بخونید.**

آقا ما شنیدیم تو فشار ها بریم نماز بخونیم.

خب نماز هم همون قرآنه منتها با رقصش.

امیر المؤمنین فرمود: نماز همون قرآن خوندن است با یک سلسله حرکات بدنی که تحت تأثیر آن قرآن خواندن است.

«أما الليل فصافون أقدامهم. تالين لأجزاء القرآن، يرتلون ترتيلا، يحذون به أنفسهم (خطبه متقين - 193)

بعد می فرماید: این قدر در اثر این قرآن یک حالی بهشون دست می دهد که:

فَهُمْ حَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ (از میانه خم می شوند که مقصود این است که رکوع می روند).

مُقْتَرِشُونَ جِبَاهُهُمْ وَأَكْفُهُمْ وَرُكْبَتَهُمْ وَأَطْرَافَهُمْ (که مقصود این است که سجده می روند).

رکوع و سجده اثر خواندن قرآن؛ نماز همیشه یک نوع قرآن خواندن تام و تمام.

قرآن خواندن اصلش ایستاده است و بعدش هم به خاک افتادن که یعنی نماز.

نماز یک قرآن خواندن فوق العاده با کلاس است؛ قرآن خواندن مآدبانه اونیه که بعدش خودت رو به خاک و خون بکشی که می شود نماز.

قرآن انسان رو شفاء می دهد.

از چی شفا می دهد: از عصبانیت از

چند صفحه قرآن بخون بعد چند ساعت می گی من چرا عصبانی شدم؟

پیشنهاد چند وقت برای قرآن خواندن که این اوقات رو اولیاء خدا معمولاً گرامی می داشتند.

قبل از خواب (عادت کنیم به این)

برای این که تمام خرابی هایی (زنگارها) که در طول روز ایجاد شده و ما ازشون خبر نداریم، این خرابی ها بر طرف شود.

*یه کسی به یه آدم حسابی می گفتش که نگاه حرام مبتلا ام چه کنم، ایشون هم هی نصیحت می کرد. طرف می گفت آخه نمی شه، نخوایم هم اتفاق می افته و...؛ آخرش گفت حالا استغفار کن، می گفت استغفار هم می کنیم یه جور دیگه درگیریم. گفت: **هر چقدر نگاه حرام کردی چشمت رو به**

خطوط قرآن بدوز جبران میشه.

*اون وقت هیچ آثاری از آثار روز شب با تو باقی نخواهد ماند.

خواب انسان خیلی مهم است ، آیت الله جوادی آملی من بارها دیدم به خواب آدم ها کار دارند ؛ می فرمایند مثلاً فلان کار رو بکنی شب خواب خوب می بینه ، شبش هم در خواب متعالیه.

خواب جزئی از زندگی ماست ، جزء عمر ماست ، چرا می گه با وضو بخواب؟

تو روحت در عالم بالا بخواد بره تمییز باشه بره.

خواب بعضی بهتر از نماز خیلی هاست.

پیامبر گرامی اسلام (ص) صبح ها می آمدند به یارانشان می فرمودند: **هَلْ مِنْ مُبَشِّرَاتٍ**

كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ هَلْ مِنْ مُبَشِّرَاتٍ يَعْني بِهِ الرُّؤْيَا.

خواب باید دل تنگی های ما رو نسبت به عالم قدس برطرف بکنه ، خواب خوب باید دید.

امیر المؤمنین (ع) از کنار قاتل خودش ابن ملجم رد شد ، طرز خوابیدنش رو ایراد گرفت فرمود این طور نخواب.

وقت دیگر که بسیار مناسب است **اول صبح** است.

با قرآن تقویت و آماده بشیم برای یک روز بسیار نورانی.

قرآن شفاست حتی برای دردهایی که نمی بینیم و نمی شناسیم.

ما درد رو نمی شناسیم ، اولیاء خدا این قدر با آرامش بودند که درد رو می شناختند ؛ حضرت امام (ره) الکی نمی رفت شب ها گریه بکند که باید حوله می بردند سر سجاده شون ، درد داشت گریه می کرد ؛ درد هایی که ما اصلاً نمی شناسیم ، ما اصلاً اونا رو درد نمی دونیم.

نه از این درد های بی خودی که آدم رو از خدا دور می کنه.

درد های عالی چقدر زیبا هم است ؛ فرمود: هر که در این بزم مقرب تر است ، جام بلا بیشترش می دهند.

من چه می دونم دردم چیه که قرآن شفاست ، اون رو برطرف کنه.

بدون این که بفهمیم چمونه قرآن ما رو درمان می کنه ، شفا می ده.

*اما اگر خواستی یه قدم جلو تر بری (حرف ویژه)

قرآن بخونیم دردامون رو بشناسیم.

با جاهایی که خدا ناراحت میشه ناراحت بشیم.

با جاهایی که خدا می خواد ما رو ناراحت بکنه ما ناراحت بشیم.

با جاهایی که خدا خوشحال میشه خوشحال بشیم.

یه کمی به ساز خدا برقصیم درست میشیم ؛ دل بدیم.

جاهایی که خدا حساسیت نشون میده تو هم حساس بشو.

باز حرفی که چند شب گذشته زدیم ، تسلیم قرآن بشیم.

هرچی گفت تأیید کن از صمیم دل ، این تأیید کردن مبنا داره ، خداست که داره این رو میگه ، مثل

اینکه ایشون عقل رو خلق کردن.

ایشون عاشق همه عالمه ، خلق کرده عشق می ورزه به خلقتش خودش.

تسلیم بودن مبنای عمیق داره فکر نکنید ما دنبال یک مشت آدم تسلیمه هالو می گردیم ، خدا خالو به چه دردش می خوره؟

هوشیاری رو به کار ببند تا تسلیم خدا شوی ؛ هر جا تسلیم نباشی عین حماقت است.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هَاهُنَا وَأُولَئِكَ بِأَنفُسِكُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ﴿58﴾ (وهنگامی که [به وسیله اذان مردم را] به نمازی خوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند زیرا آنان مردی اند که نمی اندیشند) (58) (سوره مبارکه مائده)

تو هم با خدا همراهی کن بگو این ها چرا نمی فهمند ، نگذار جایی خدا تنها بمونه.

یه چیزی رو می فرماید به به ، بعد تو بگی که چی مثلاً ؛ یه چیزی رو بگه وای وای ، تو بگی مگه چی شده؟

وقتی گفت عذاب الیم ، دردت بیاد ، وقتی که گفت بهشت و نعیم ، خوشحال بشی.

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مُتُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَنَةِ وَاللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿60﴾ بگو آیا شمارا به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم همانان که خد العنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده و آنانکه طاغوت را پرستش کرده اند اینانند که از نظر منزلت بدتر و از راه راست گمراه ترند (60)

به شور بیا وقتی که شوریدگی رو در آیه می بینی.

آقا رقص رو می رن تمرین می کنند ، بازیگری رو می رن تمرین می کنند ، این ها مهارت روح به آدم مده ؛

می خوای درد هایت رو بفهمی؟ دلت رو بذار پیش قرآن ، به قرآن بگوئید: تو درد هایت رو بگو من می خواهم درد هام رو با تو هماهنگ بکنم.

*کی می خواهد درد های حقیقی خودش رو بشناسه؟ کی می خواد درد شناس بشه تا بعد شفا پیدا بکنه؟ اون چه درد لذت بخش و قشنگی است؟

برای اینکه آغاز بکنیم بیاید شروع کنیم این طور قرآن خوندن.

سوره ی الرحمن رو نخونید ؛ چون اگه حرف این سوره رو روی زمین نذاریم باید بمیریم از شدت درد مندی خدا.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (16) کی میگه من دروغ میگم. اون وقت ما همین طور نگاه می کنیم.

یه مدت قرآن بخون اون موقع بهت می گم موسیقی یعنی چی.

موسیقی از عرفاء برید پرسید یعنی چی!

موسیقی یه صدایی ، همین ؛ این صدا ها رو نظم بهش میدن ، ریتم بهش میدن ، بالا و پایین می برن ، نوسان صدا آدم رو به وجد می آورد. (بالا و پایین میبره)

ترکیب موسیقی جسم آدم رو بالا پایین می کنه ؛ لذا موسیقی مثل مواد مخدر می مونه.

موسیقی قرآن رو کی تنظیم کرده؟

الان سفت بگو ، الان شل بگو ، الان موعظه کن ، الان از جهنم بگو ، الان از بهشت بگو و... کی اینا رو تنظیم کرده.

کم کم مشائر قلبت باز میشه برای درک درد های خودت ؛ **با درد های قرآن همراه شو ، درد های خودت رو می فهمی.** همون جاست که شفا پیدا می کنی.

خیلی از درد های ما ازش شفا پیدا کنیم می فهمیم چه دردی داشتیم.

*برای اینکه بفهمی دردت چیه برو پای درد و دل قرآن بنشین ، بین او به چی به عنوان درد نگاه می کنه.

با درد ها و شادی ها و درد ها و قصه ها و تلخی های و شیرینی های قرآن که همراه بشید این نوسان عالی ترین موسیقی عالم خلقت رو در روح تو جاری میکنه.

یکی از درد و دل های قرآن تمسخر پیامبرانست:

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿30﴾

در کربلا یکی دو تا استهزاء رخ داد خدا زود عذاب نازل کرد ؛ خدا شمر رو همون موقع مجازات نکرد ، عمر سعد رو زود مجازات نکرد ، یه نفر اومد در اطراف خیمه ی حضرت ؛ امام حسین (ع) رو مسخره کرد ، خدا آنی او رو مجازات کرد.